یادداشت

جای خالی سخنگو در روایت‌های دست اول

■ حسین فصیحی

قتل داریوش مهرجویی، کارگردان فقید سینما و همسرش، حادثه‌ای جنایی بود که روز گذشته فضای رسانه‌ای را به شدت تکان داد و اندوه زیادی بر جای گذاشت. از زمان پخش فیلم «گاو» در سال ۱۳۴۸ تا نمایش آخرین ساخته‌اش «لامینور» در اردیبهشت‌ماه سال گذشته، چندین نسل با دیدن آثار این هنرمند، او را ستوده‌اند. از همین‌رو مرگ مهرجویی و همسرش در جریان حادثه‌ای جنایی برای دوستداران او و آثارش باورپذیر نبود، همانگونه که خودکشی کیومرث پوراحمد، هنرمند فقید که فروردین‌ماه امسال به زندگی خود پایان داد را کسی باور نداشت. با این حال اینها حوادثی بود که رقم خورد و حاشیه‌های بسیاری را به همراه داشت. همراه شدن حاشیه‌ها و دامن زدن به آن به سیاق گذشته با وقوع چنین حوادثی به دلیل نبودن سازوکاری مناسب برای اطلاع‌رسانی درست از سوی پلیس و قوه قضائیه صورت می‌گیرد. با وجود اینکه پلیس و بازپرس لحظاتی بعد از حادثه از ماجرا باخبر شدند و به دلیل حساسیت ماجرا تلاش برای رمزگشایی از پرونده را در دستور کار خود قرار دادند، اما ناکام ماندن تلاش‌های اولیه برای بازداشت عاملان حادثه منجر به دامن زدن به حاشیه‌های مطرح شده گردید. طبیعی است در چنین شرایطی مردم بخواهند درباره جزئیات حادثه‌ای که اتفاق افتاده باخبر شوند، اما از آنجا که مرجعی برای پاسخگویی به پرسش‌های مطرح شده وجود ندارد، مجال برای ایجاد سناریو و دامن زدن به آن در شبکه‌های اجتماعی و دیگر شبکه‌های خبری فراهم می‌شود.

تجربه نشان می‌دهد اطلاع‌رسانی پلیس و دستگاه قضایی درباره حوادثی از این دست به سبک دهه‌های قبل صورت می‌گیرد، مگر اینکه در حوادثی مثل پرونده محمدعلی نجفی، شهردار اسبق تهران که همسرش را به ضرب گلوله به قتل رساند، خبرنگاران رسانه‌های رسمی این امکان را پیدا کنند که روایت‌های میدانی خود را منتشر کنند و به خوبی به پرسش‌هایی که در بدنه اجتماعی مطرح می‌شود، پاسخ دهند.

با وجود اینکه پلیس و قوه قضائیه دارای سخنگو هستند، اما دسترسی به سخنگویان برای خبرنگاران ساده نیست و در چنین شرایطی طبیعی است که مدیریت اطلاع‌رسانی درست از دست رسانه‌های رسمی خارج شود و رسانه‌های غیررسمی فرصت به دست آورند که روایت‌های خود را وارد ماجرا کنند و حتی در روایت‌های اولیه بخواهند آن را به بدنه حاکمیت منتسب کنند و با گمراه کردن ذهنیت بخشی از دنبال‌کنندگان خود به حاشیه‌های ایجاد شده دامن بزنند. همچنین تجربه نشان داده هرچه حادثه دورتر از پایتخت اتفاق بیفتد منابع رسمی در پاسخگویی به رسانه‌ها با دشواری بیشتری عمل می‌کنند و ترجیح‌شان این است که حادثه روی داده مشمول مرور زمان شود به امید اینکه گذشت زمان بتواند بر حاشیه‌های ایجاد شده غلبه پیدا کند.

در مقام عمل همزمان با وقوع قتل، کارآگاهان پلیس آگاهی به سیاق پرونده‌هایی که مدام در حال تشکیل است، تحقیقات خود را با بررسی‌های اولیه صحنه جرم، دوربین‌های مداربسته، تحقیق از شاهدان، خانواده مقتول و تماس‌های تلفنی دنبال و با دنبال کردن سرنخ‌های پیدا شده از پرونده رمزگشایی می‌کنند. اگر این حادثه برای فردی غیر از مهرجویی و همسرش اتفاق می‌افتاد، همانگونه که در پرونده‌های جاری جریان دارد، همین رویه دنبال می‌شد، با این حال طبیعی است به دلیل شهرت کارگردان فقید، تلاش‌های جمعی پلیس و دستگاه قضایی برای ادای دین به کارنامه هنری او و پاسخگویی به افکار عمومی با شدت بیشتری دنبال شود تا با رمزگشایی اولیه از پرونده، زوایای پنهان آن روشن شود.

گزارش میدانی و عکس
غلامرضا مسکنی

گزارش میدانی خبرنگار «جوان» از محل قتل داریوش مهرجویی

نگهبانان داریوش خواب بودند!

خبری کوتاه نیمه شب شنبه روی سایت‌های خبری رفت و دقایقی بعد فضای مجازی را مثل بمب منفجر کرد و جامعه هنری را در شوک برد. داریوش مهرجویی، کارگردان مشهور سینما که با فیلم‌های سینمایی فلسفی‌اش همچون «هامون» همه را غافلگیر کرده‌بود، با انتشار خبر قتل او و همسرش جامعه را مبهوت کرد. خبر این جنایت را ساعت ۲۲:۲۵ شامگاه شنبه ۲۲ مهر ماه دختر داریوش مهرجویی که برای شام به ویلای محل زندگی پدر و مادرش در زیبادشت فرحآباد شهرستان فردیس استان البرز دعوت بود، به پلیس گزارش داد.

■ **ورود به شهرک**

ساعت حدود ۹ صبح برای تهیه گزارش حادثه قتل به مجتمع مسکونی زیبادشت رسیدیم. جلوی در ورودی علاوه بر نگهبان‌های همیشگی شهرک، چند خودروی پلیس و تعدادی مأمور هم حضور داشتند. تعدادی از خبرنگاران کرج دقایقی قبل وارد شهرک شده‌بودند، اما ورود خبرنگاران دیگر به گفته دادستان شهرستان فردیس ممنوع شده‌بود، اما با هر ترفندی بود، وارد شهرک شدم. در خیابان اصلی مسافت زیادی را طی کردم تا از میدان فردوسی گذشتم و به میدان سعدی رسیدم. داخل خیابان سعدی از دور تعدادی خودروی پلیس و مأمور دیده می‌شد.

■ **قتلگاه**

خودروهای پلیس جلوی کوچه لادن که منزل ویلایی مهرجویی است، پارک بودند. خانه ویلایی مهرجویی ته کوچه بن‌بست لادن و یکی مانده به آخر قرار دارد و از اول کوچه خودروهای پلیس، مقام‌های قضایی و کارآگاهان جنایی همه پارک شده و مأموران با لباس و تعداد زیادی هم با لباس شخصی داخل کوچه ایستاده بودند. پلاک ۱۴، ویلای قدیمی با دیواری کوتاه و نرده‌های کوتاه سبزرنگ که روی نرده‌ها هم سیم‌های خاردار قدیمی آن را حصار کرده، محل قتل داریوش مهرجویی و همسرش است. جلوی در سبز رنگ کرکره‌ای شکل که ویلای محل زندگی مقتولان از آن به خوبی دیده می‌شود، نوارهای زردرنگ خطر و ورود ممنوع کشیده شده و سرباز یگان ویژه‌ای مانع ورود افراد می‌شود. داخل ویلایی حدود ۲ هزار متری تعدادی از کارآگاهان جنایی، عوامل تشخیص هویت و مقام‌های قضایی و انتظامی حضور دارند و در حال نمونه‌برداری و بررسی صحنه جرم هستند. داخل حیاط و چسبیده به دیوار خانه جلوی باغچه نیمکت چوبی گذاشته شده و در کنارش هم دوچرخه‌ای قرار دارد و دوباره جلوی در ورودی به داخل خانه نوار زردرنگ خطر آنجا هم کشیده شده‌است.

■ **دقایقی قبل از جنایت**

آنطور که روایت می‌شود، اولین فردی که دقایقی بعد از حادثه با صحنه قتل روبه‌رو می‌شود، دختر ۱۸ ساله داریوش مهرجویی به نام مونا بوده‌است. یکی از افرادی که ساعتی پس از حادثه در محل حاضر شده و صحنه جنایت را از نزدیک دیده‌بود به خبرنگار ما گفت: «حدود ساعت ۲۲:۲۰ شب مونا برای خوردن شام به خانه‌شان می‌رود. قبل از این مادرش به او پیام داده‌بود که برای شام آش ماست پخته‌است و او را برای خوردنش دعوت کرده‌بود. مونا وقتی جلوی در ویلا می‌رسد، با توجه به سکوت داخل خانه‌شان و روشن‌بودن همه چراغ‌ها و باز بودن در ورودی به خانه نگران می‌شود و از ترس وارد خانه نمی‌شود و زنگ خانه را می‌زند. وقتی پدر و مادرش دم در حاضر نمی‌شوند، تلفن می‌زند و بعد هم پیامک می‌دهد، اما آنها جوابی نمی‌دهند. نگرانی او بیشتر می‌شود و همان لحظه به یکی از بستگان نزدیکش در مهرشهر کرج زنگ می‌زند و می‌گوید پدر و مادرم به تلفن‌های من جواب نمی‌دهند و در خانه را باز نمی‌کنند. او می‌گوید من می‌ترسم بلایی سر پدر و مادرم آمده باشد که فامیلش به او می‌گوید همانطور که تلفنی با او صحبت می‌کند، وارد خانه شود و نترسد. پس از این مونا وارد خانه می‌شود، همان ابتدا با جسد خونین پدرش روبه‌رو می‌شود و با داد و فریاد موضوع را به فامیلش خبر می‌دهد و در ادامه هم با جسد مادرش روبه‌رو می‌شود.»

■ **آش ماست نخورده**

فرد مطلع ادامه داد: «مونا به پلیس گفته تا ساعت ۲۲ با پدر و مادرش تلفنی و پیامکی در ارتباط بوده و آنها زنده بودند و مادرش گفته‌بود که آش ماست دارند و وقتی هم مأموران به محل حادثه می‌روند، در آشپزخانه با آش ماست روبه‌رو می‌شوند که مشخص بود داریوش مهرجویی و همسرش منتظر بودند تا دخترشان به خانه برسد و با هم آش ماست بخورند. مونا به پلیس اعلام کرده‌بود که به خاطر تهدید قبلی که مادرش شده‌بود، وقتی با آن سکوت مرگبار روبه‌رو می‌شود، می‌ترسد و موضوع را به فامیلش خبر می‌دهد و در ادامه هم با صحنه هولناک قتل پدر و مادرش روبه‌رو می‌شود.»

■ **نحوه قتل**

در ورودی به خانه از قسمت شمالی حیاط است که دو پنجره با حفاظ و با فاصله در دو طرف آن قرار دارد. ورودی خانه در سمت چپ ابتدای آشپزخانه قرار دارد و برای ورود به پذیرایی از آشپزخانه باید وارد شد و مأموران در همان لحظه ورود با جسد خونین داریوش مهرجویی داخل آشپزخانه روبه‌رو می‌شوند. آثار چوب روی سر حکایت از آن دارد که در باز بوده و عامل یا عاملان قتل که به نظر می‌رسند دو نفر یا بیشتر هستند به آرامی وارد آشپزخانه شدند و کارگردان معروف را غافلگیر کردند و در همان لحظه ورود با چوب ضربه محکمی به سرش زدند. پس از این ضربه، داریوش مهرجویی با آنها درگیر می‌شود و آنها با چاقو ضربه‌ای به گردنش وارد می‌کنند و سپس ضربات دیگری هم به بدن او می‌زنند و وی را خونین نقش بر زمین می‌کنند. همسر وی در یکی از اتاق‌ها در حال استراحت بوده و وقتی متوجه درگیری می‌شود، عاملان قتل به سرعت به سراغ او می‌روند و ضرباتی که با چاقو بر شکم، سینه و بدن او وارد شده‌است، حکایت از آن دارد که او با عاملان قتل روبه‌رو شده‌است، اما توان مقابله با آنها را نداشته و به قتل رسیده‌است.

■ **چوب خونین**

مأموران پلیس در محل حادثه چوبدستی آغشته به خونی را کشف کردند که حکایت از آن داشت قاتل یا قاتلان با همان چوب ضرباتی به سر و بدن داریوش مهرجویی زده‌اند و در ادامه هم با چوب ضربات متعددی را به دست و پای همسر وی هم وارد کرده‌اند، به طوری که به احتمال زیاد ترک‌خوردگی چوب به خاطر ضربات متعدد و محکمی بوده که به بدن زن و شوهر اصابت و دست و پای آنها را مصدوم کرده‌است. عاملان قتل پس از حادثه چوبدستی را در محل رها می‌کنند، اما چاقو یا آلت قتاله برنده را با خود می‌برند.

■ **صحنه‌سازی**

در بررسی‌های محل حادثه، مأموران پلیس با به‌هم‌ریختگی وسایل خانه روبه‌رو شدند که پس از بازرسی و تن‌پیمایی مشخص شد تلفن‌های همراه زن و شوهر و علاوه بر آن طلاها و زیور آلات دست و گردن همسر کارگردان معروف هم سرقت شده‌است و به احتمال زیاد عاملان قتل، النگوهایی او را با وسیله‌ای از دستش بریده‌اند، اما آنچه در بررسی‌های بعدی این فرضیه برای کارآگاهان قوت گرفت این است که احتمال می‌رود سرقت تلفن همراه و طلاهای دست و گردن همسر داریوش مهرجویی صحنه‌سازی و برای فریب مأموران پلیس است.

ویلای مهرجویی

■ **خواب سنگین کارگران**

آنچه در بررسی‌های میدانی شهرک ویلانشین دیده‌می‌شد، تعداد زیاد نگهبان‌هایی بود که شب و روز از در ورودی تا نزدیکی ویلاها نگهبانی می‌دهند. علاوه بر نگهبانان در ورودی شهرک، در کنار هر خیابانی هم کیوسک کوچکی قرار داشت که به گفته اهالی آنجا شب و روز یک نگهبان داخل آن کیوسک‌ها کشیک می‌دهد. در انتهای کوچه لادن و درست در چند متری ویلایی داریوش مهرجویی، کانکس قهوه‌ای رنگی گذاشته شده‌بود که به گفته فرد آگاهی چهار کارگر شب‌ها در آنجا استراحت می‌کنند و می‌خوابند.

به گفته وی این نگهبانان در طول روز رصد ساخت و ساز در شهرک را بر عهده دارند و شب در آنجا می‌خوابند، اما آن شب متوجه هیچ چیزی نشده‌اند و وقتی مأموران به محل حادثه می‌رسند، چهار نگهبان را که داخل آن خواب بودند، از خواب بیدار می‌کنند و آنها مدعی می‌شوند متوجه هیچ چیزی نشده‌اند.

■ **دوربین‌های مداربسته**

به گفته افراد آگاه و مأموران، عاملان قتل افراد حرفه‌ای هستند که سعی کرده‌اند هیچ رد پایی از خود به جای نگذارند. از طرفی هم مأموران در بررسی‌ها دریافتند محل حادثه هیچ دوربین مداربسته‌ای نداشته‌است، اما ویلای کناری و انتهای کوچه مجهز به دوربین مداربسته است. مأموران در ادامه فیلم‌های دوربین‌های مداربسته آنجا و اطراف محل حادثه را جمع‌آوری کردند تا با این سرنخ و بازبینی فیلم‌ها ردی از قاتلان به دست آورند.

■ **زمین خاکی**

روبه‌روی ویلای داریوش مهرجویی زمین خاکی چند هزار متری بدون در و دیوار درست و حسابی قرار دارد که محل دپوی زباله‌های ساختمان شده است. انتهای زمین خیلی مشخص نیست به کجا می‌رسد، اما در ضلع غربی آن پادگان و به گفته‌ای فرودگاه پیام قرار دارد، اما بین این زمین خاکی و دیوار گلی شکسته‌شده زمین خاکی کوچه‌ای چند متری قرار دارد و مأموران احتمال می‌دهند قاتل یا قاتلان از آنجا وارد شده و به داخل ویلای مقتول رفته‌اند.

■ **سگ‌های ردیاب**

مأموران پلیس و کارآگاهان زبده در بررسی‌های فنی خود در این حادثه از سگ‌های ردیاب هم استفاده کردند. در حالی که تیمی از کارآگاهان تشخیص هویت پلیس آگاهی در داخل پذیرایی و اتاق‌ها مشغول بررسی و نمونه‌برداری بودند، تیم دیگری از کارآگاهان ویژه قتل با دو سگ مخصوص وارد شهرک شدند و بررسی‌های خود را با سگ‌ها آغاز کردند. از آنجایی که به نظر می‌رسید عاملان قتل از همان زمین خاکی روبه‌روی ویلا وارد خانه مهرجویی شده‌اند، کارآگاهان سگ‌ها را یکی یکی به زمین خاکی بردند تا ردی از متهمان به دست بیاورند. مأموران ابتدا مقداری از خون‌های مقتولان و بقایای صحنه قتل را به بینی سگ‌ها نزدیک کردند تا مشام سگ‌ها تحریک شود و با بو کشیدن رد پای متهمان را کشف کنند. دو سگ حدود دو ساعت در زمین بایر چند هزار متری همراه چند مأمور چرخیدند و متر به متر زمین خاکی را بوکشیدند و مأموران همراه هم نتیجه را ثبت می‌کردند. یکی از مأموران گفت: «امیدواریم که در این حادثه سگ‌ها بتوانند در ردیابی متهمان به ما کمک کنند و ما تلاش می‌کنیم تا ردی از متهمان پیدا کنیم.»

■ **رئیس پلیس آگاهی فراجا**

افراد زیادی از مأموران پلیس و مقام‌های انتظامی و قضایی به محل حادثه در رفت و آمد هستند و حدود ساعت ۱۱:۱۰ سردار قنبری، رئیس پلیس آگاهی فراجا همراه تیمی وارد ویلای مهرجویی شد تا از نزدیک تلاش کارآگاهان پلیس را برای یافتن ردی از قاتل یا قاتلان پیگیری و دستورات لازم را صادر کند. وی به خبرنگاران گفت: «پس از اعلام این حادثه از حدود ساعت ۲۳ شب تحقیقات خود را آغاز کردیم و هنوز هم ادامه دارد و در این مدت آثاری را هم روی دست مقتول پیدا کردیم که احتمال می‌دهیم متعلق به قاتل باشد، اما به نظر می‌رسد عامل یا عاملان قتل به زور وارد ویلا نشده‌اند، چون با تخریب در یا قفل روبه‌رو نشدیم.»

وی در پاسخ به خبرنگار ما که پرسید آیا پلیس به سرنخ‌هایی هم رسیده‌است، گفت: «تحقیقات و بررسی‌ها ادامه دارد و شاید این بررسی‌ها چند ساعت دیگر هم طول بکشد و در این مدت هم سرنخ‌هایی به‌دست آمده‌است و متعاقباً پس از اطمینان از صحت آن اعلام خواهد شد.»

■ **خانواده محترم**

یکی از اهالی آن منطقه گفت: داریوش مهرجویی همراه خانواده‌اش (زن دوم و دخترش) بیش از ۱۰ سال قبل از تهران برای زندگی به شهرک زیبادشت آمدند. آنها خانواده محترمی بودند و همه ساکنان شهرک و حتی شهرک‌های اطراف آنها را می‌شناختند و از آنها به خوبی یاد می‌کردند. ما گاهی داریوش مهرجویی، همسر و دخترش را می‌دیدیم و از اینکه این خانواده در آن منطقه زندگی می‌کردند، خوشحال بودیم. افراد زیادی به خانه آنها رفت و آمد داشتند، از وکیل او و دستیارانش گرفته تا دوستانشان. ما وقتی این حادثه را شنیدیم، شوکه شدیم و نمی‌دانیم چرا این حادثه برای آنها رخ داده است.

■ **خواهر مهرجویی**

علاوه بر حضور مأموران و مقام‌های انتظامی و قضایی، تعدادی از دوستان و بستگان مقتول هم به محل حادثه آمدند. خواهر داریوش مهرجویی، زن سالخورده‌ای بود که صبح دیروز به محل حادثه آمد و در حالی که به شدت متأثر و گریان بود، گفت که این حادثه را از طریق فضای مجازی باخبر شده است. یکی دیگر از افرادی که در محل حضور داشت پسر وکیل داریوش مهرجویی بود. او می‌گفت سال‌هاست که همراه پدرش در خدمت مهرجویی بوده و او را مثل پدر خودش می‌دانسته است. وی گفت از طریق دختر آقای مهرجویی متوجه حادثه شده و هنوز هم در شوک است.

■ **دو فرضیه**

به گفته یکی از کارآگاهان زبده پلیس آگاهی، مأموران پلیس در برخورد با پست اینستاگرامی همسر داریوش مهرجویی درباره فردی که او را با نشان دادن چاقو تهدید به قتل کرده‌است، با دو فرضیه روبه‌رو شده‌اند؛ یکی اینکه همسر کارگردان معروف به این خاطر نوشته عامل تهدید لهجه دارد که به او بفهماند دیگران را از موضوع با خبر کرده تا عامل تهدید بی‌خیال شود. فرضیه دوم اینکه فرد تهدیدکننده که نقشه قتل داشته وقتی با پست اینستاگرامی روبه‌رو می‌شود، فکر می‌کند این بهترین فرصت برای قتل است تا قتل را به گردن فرد لهجه‌دار بیندازد و مأموران پلیس را به سوی افراد دیگری سوق دهد.

حضور پلیس در محل حادثه

سگ‌های ردیاب پلیس

در ورودی ویلای مهرجویی

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۶

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۵۴۵۴۸۸

به جوان دوباره نگاه کن
Javanonline.ir

مفقودی

سند مالکیت (برگ سبز) خودرو وانت پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۴ به شماره موتور ۱۱۲۸۴۰۵۵۱۰۷ و شماره شاسی ۱۲۱۳۰۹۵۴ با شماره انتظامی ۳۶۸ج۶۶ ایران ۴۱ بنام زهرا سلطان محمودی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. اسلامشهر

مفقودی

برگ سبز، برگ کمپانی و بنچاق خودرو سواری ام وی ام ۱۱۰ مدل ۱۳۸۵ رنگ نقره ای متالیک شماره پلاک (ایران ۷۲ ۳۴۳ ی ۶۴) به شماره موتور MVM372FG5000558 و شماره شاسی IR8421100841 متعلق به مجتبی حسینی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز

مفقودی

برگ سبز خودرو وانت پراید ۱۵۱ مدل ۱۴۰۰ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۳۰ - ۹۲۴ ل ۹۲) به شماره موتور M13/6513774 و شماره شاسی NAS451100M4934209 متعلق به الهام گل اندام منشادی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی تصرفات مالکانه بلا معارض ۱-عبدالعلی محبتی به شماره شناسنامه ۲۱۳۸۲ به شماره ملی ۲۱۲۰۲۱۳۵۳۴ صادره از گرگان فرزند علی اصغر متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۳۰۰ درسه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است ۲-آقای رمضانعلی محبتی به شماره شناسنامه ۷۴۳ به شماره ملی ۲۱۸۱۰۲۸۱۹۲ صادره ازبهشهر فرزند علی اصغر متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۲۹۹ درسه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۳۶۰ مترمربع از پلاک ۱۰۸ اصلی واقع دراراضی باکرمحله بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد،لذا به منظور اطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود ازاین رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارایه نماید.

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴
شناسه آگهی: ۱۵۷۵۳۷۹
حجت اله تجری
رییس اداره ثبت اسناد واملاک منطقه دو گرگان